

ناپلئون در هرم بزرگ

ترجمه: فرید جواهر کلام
از کتاب اسرار اهرام

در جزیره‌ی سنت هلن که کار امپراتور رو به پایان بود، بر آن شد که ماجرا را برای اطرافیان خود بگوید، ولی در آخرین لحظه سری تکان داده گفت: نه، نمی‌گویم. چه فایده‌ی دارد؟ شما هرگز گفته‌ی مرا باور نخواهید کرد!

هنگامی که ناپلئون بنابه علل سیاسی و نظامی مجبور شد از مصر خارج شود گروه دانشمندان همراه خود را جا گذاشت و گویی به کلی آن‌ها را فراموش کرد و این دانشمندان که پژوهش‌هایی در زمینه‌ی اهرام و تاریخ مصر به عمل آورده بودند اسیر نیروهای انگلیسی شدند. ولی ارتش انگلیس با آن‌ها با گذشت و مهربانی رفتار کرد، رسم جوانمردی را به‌جا آورده به تمام‌شان اجازه داد با همه‌ی نوشته‌ها، یادداشت‌ها و خلاصه همه‌ی پژوهش‌های خویش به فرانسه بازگردند.

هنگامی که آن‌ها به فرانسه بازگشتند، ناپلئون به‌عنوان کنسول اول فرانسه قدرت فراوانی به‌دست آورده بود و بدین ترتیب به تمامی این دانشمندان دستور داد نتیجه‌ی اکتشافات‌شان را در زمینه‌ی آثار باستانی، ساختمان‌ها، نوشته‌ها، زندگی، زبان، آداب و رسوم مردمان مصر باستان و مصر نوین به‌صورت کتاب‌های علمی مهمی درآورند. با کمک سپاهی از نقاشان، خطاطان و تعداد ۴۰۰ نفر گراورساز این کار آغاز شد و ظرف مدت ۲۵ سال به‌صورت کتاب‌های جالبی چاپ و منتشر گردید با این عنوان: «تشریح سرزمین مصر، یا گردآوری پژوهش‌هایی که توسط دانشمندان به هنگام سفر ارتش فرانسه به مصر در آن سرزمین به‌عمل آمده است.»

در صفحه‌ی ۵۱ کتاب نقاشی منحصر به فرد زیر ملاحظه می‌شود که شخص ناپلئون در مصر از منظره‌ی اهرام، رود نیل و عده‌ی از مردمان کشیده شده است. در بالای تصویر و پایین آن ناپلئون به خط خود مطلبی نوشته است. ■



□ هنگامی که ناپلئون، مرادبیگ و سایر دشمنان خود را در مصر و اطراف هرم بزرگ شکست داد، توجه و علاقه‌ی بسیار شدیدی نسبت به هرم بزرگ (کتوبس) نشان داد. پس از مدتی بررسی در اطراف هرم ذهن لُجستیکی و بویژه نبوغ او، او را قادر ساخت که محاسبه‌ی شگفت‌آوری به‌عمل آورد: بدین قرار ناپلئون بناپارت آشکار ساخت که اگر تمام سنگ‌های هرم بزرگ و سایر اهرام فلات گیزه (هرم کفرن و...) را پیاده کنند، یعنی از هم بگسلند، با این صخره‌سنگ‌ها می‌توان دیواری بنا کرد به ارتفاع سه متر و به ضخامت یک متر که چنین دیواری سراسر خاک فرانسه را در برگیرد! یعنی این سنگ‌ها کافی هستند که سراسر کشور فرانسه را محاصره کنند.

پس از آن ناپلئون به درون هرم رفت و بویژه شیفته‌ی ساختمان و تزیینات تالار شاه شد. (تالار توت‌اتخ‌آمون)

در تاریخ ۱۲ اوت ۱۷۹۹ ژنرال بناپارت وارد هرم بزرگ شد، راهنمای او در این گردش امام محمد مصری بود. ژنرال وارد تالار شاه شد و به تماشای تزیینات و دیوارهای آن پرداخت. چندی که گذشت ناپلئون رو به راهنما و سایر حاضرین کرده گفت: می‌خواهم اندکی در این جا تنها باشم. همه‌ی حاضرین تالار را ترک کردند. جالب آن‌که بنا به روایات تاریخی اسکندر کبیر نیز که وارد هرم بزرگ و تالار شاه شده بود، دقیقاً همین کار را انجام داده و مدت کوتاهی در تالار تنها مانده بود.

باری هنگامی که ناپلئون از تالار شاه خارج شد، همه مشاهده کردند رنگ چهره‌ی او به شدت پریده و سفید شده است و حالش نیز دیگرگون بوده، طبیعی نیست. یکی از آجدان‌هایش پیش رفته، به حالت نیمه شوخی و نیمه جدی از وی پرسیده بود: آیا ژنرال در تالار شاهد رویداد رموزی بوده است؟

ناپلئون به تندی پاسخ داده بود: چیزی ندارم بگویم. پس از آن لحن خود را آرام‌تر کرده، اظهار داشته بود: هرگز میل ندارم در این مورد بعد از این اشاره‌ی بشود.

سال‌ها بعد که ناپلئون به مقام امپراتوری رسید باز هم از پاسخ‌دادن در این زمینه و تشریح واقعه‌ی رموز احتمالی هرم بزرگ، طفره می‌رفت. فقط به‌طور غیرمستقیم و تلویحاً اشاره می‌داشت که از قسمتی از سرنوشت زندگی آینده‌ی خود آگاه شده است.